

رئیس جمهور با المپیادها*

اشاره:

در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۱۰ کلیه راه یافتگان مرحله کشوری و جهانی المپیادهای فیزیک، شیمی، زیست، کامپیوتر، ریاضی و ادبی به همراه تیم دانش آموزی روبروکاپ علامه حلی (حلی رسینا) که در رقابت سال ۲۰۰۲ روبروکاپ دانشجویان رتبه دوم جهان را کسب نموده بود، همراه با نفر سوم رشته شبیه سازی مسابقات جهانی روبروکاپ آلمان در دیدار با ریاست محترم جمهوری جناب آقای سید محمد خاتمی جوایز خویش را دریافت نمودند. در این دیدار ابتدا وزیر محترم آموزش و پرورش گزارشی از المپیادها خدمت رییس جمهور ارائه نمود. سپس ایشان بعد از اهداء جوایز در جمع این عزیزان سخنانی ایراد نمودند که متن کامل آن را به اطلاع خوانندگان عزیز خویش می‌رسانیم.

«سپاد»



بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا و غيبت و لينا و قلته عددنا و كثرة عدونا و شدت الفتن بنا و تظاهر
الزمان علينا فصل على محمد وآله و أعنا على ذلك بفتح منك تعجله و بضر تكشفه تعزه و سلطان حق
تظهره.

این قطعه آخر دعای افتتاح است که معمولاً مؤمنین و مؤمنات در شب‌های ماه رمضان

* با تشکر از اداره کل اطلاعات و اخبار ریاست جمهوری جهت در اختیار قرار دادن متن ویراستار شده سخنان ریاست محترم

می‌خواند. قسمت اول آن بیان یک خلأ وجودی و «نیاز» مبرمی است که انسان در پیشگاه خدا بیان می‌کند و در واقع مشخص می‌کند که کمبود کجاست و آن‌گاه برای رفع آن کمبود و نیاز «دعا» می‌کند و نیز از اینکه پیامبر اکرم در گذشته است و نیز «ولی خدا» غایب است و در نزد ما نیست، به درگاه خداوند شکایت می‌شود. سپس از اینکه تعداد خواستاران حق کم است، دشمنان حق فراوانند، زمان به نفع آنان که حق و عدالت را می‌خواهند، نیست، صحبت می‌شود و آن‌گاه بعد از درود بر پیامبر و آل او، از خداوند می‌خواهد که فتح و گشایش را به سرعت نصیب حق طلبان کند و سلطان حق را ظاهر کند و حقیقت را بر جهان حاکم بگرداند.

عصر طلایی تاریخ بشر

آن دو بخش اول [این دعا] هم‌چنان باقی است؛ یعنی گلایه از اینکه ما از حضور پیامبر خدا و ولی خدا و انسان کاملی که هدایت‌گر انسان است، محروم هستیم، اما به نظر من آن بخش‌های میانی آن بیشتر با زمانی تناسب داشته است که دعا بیان شده است و بر خلاف ظاهر وضعیتی که در دنیا هست، به نظر من سیر تاریخ بشر به سوی حق خواهی بوده است و امروز بشر بیش از گذشته خواستار «حق» و «عدل» و نوعی زندگی متناسب با شأن والای «انسان» و تأمین‌کننده همه وجوه و جهات و شؤون هستی انسان است که بخش کوچکی از آن دنیا است. من در اولین سخنرانی‌ای که در مجمع عمومی سازمان ملل کردم، بعد از تصویری که از دنیای امروز ارائه کردم که تصویر سیاه و نگران‌کننده‌ای است و سرشار از فقر، جهل، زورگویی، بی‌عدالتی، تبعیض، سرکوب و اموری نظیر اینها هست، گفتم بر خلاف این، اگر کمی عمیق‌تر بنگریم، من آینده و عمق واقعیت امروز دنیا را روشن‌تر می‌بینم و فکر می‌کنم که بشر امروز بیش از گذشته خواستار حق، حقیقت و عدالت است و messianism که تقریباً یک اصل عمومی در میان همه ادیان و مکاتب و نحله‌هاست - که ما وجه روشن آن را در «مهدویت» می‌بینیم - در واقع در عمق وجدان بشر، چه آگاهی‌ای که از سر فطرت در وجود بشر بوده و چه آگاهی‌ای که حکیمان و بزرگان داده‌اند و چه آگاهی‌ای که از طریق «وحی» به انسان داده شده است، تقریباً به این اجماع می‌رسیم که عصر طلایی تاریخ بشر در آینده است، نه در گذشته و این امر با تبیین‌ها و تشریح‌های مختلف از سوی مکتب‌های مختلف بیان شده است و ما هم به عنوان مسلمان به طور عام، این اعتقاد عمومی همه مسلمانان و

فرقه‌هاست که حکومت حق و عدل در آینده خواهد بود و -البته شیعیان به طور واضح تر و روشن تر این را دارند - نگاه ما به آینده است. البته این آینده به صورت یک امر معجزه آسا تحقق پیدا نمی‌کند. باید زمینه فراهم شود و انسان‌ها بخواهند که حق و عدالت بر جامعه بشر حاکم شود و من فکر می‌کنم که نکات میانی این دعا نسبت به آن زمان سختی که این دعا بیان شده است، وضعیت بهتری دارد. و در واقع ما به آن فتوحی که خداوند وعده داده است، نزدیک تر می‌شویم.

انسان خواستار عدالت

بشر خواستار عدالت، حقیقت و معنویت است و از اینکه انسان تحقیر شود و مورد ستم قرار بگیرد، بیزار است؛ یعنی آگاهی بیشتر شده است. شما حداقل در جریان اخیری که در دنیا رخ داد، نوعی خیزش و بروز طوفانی وجدان بشر را دیدید که چگونه در همه دنیا، اروپا، امریکا، آسیا و افریقا با جنگ طلبی و تجاوز مخالفت کردند و این در حالی بود که تمام آنهایی که این بیداری را از خود نشان دادند، می‌دانستند که رژیم حاکم بر عراق رژیم فاسد، سرکوب‌گر، ضد انسانی و مستبدی است و برای مردم خودش هیچ حق و ارزشی قائل نیست و هیچ‌کس از این رژیم دفاع نمی‌کرد، اما بخاطر اینکه به این صورت و فقط و فقط با استناد به اینکه قدرتی با یک توان نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی برتر است و اراده کند و با اراده خویش بخواهد در کشور دیگری دخالت کند و بدون اینکه این حق را برای یک ملت قائل شود که خود ملت تصمیم بگیرند و حاصل کار هم جنگ تلخ و رنج آور است، این مخالفت‌ها ابراز شد. این مسأله کوچکی نیست و نشان دهنده این است که وجدان بشر، به سوی حق و عدالت بیدار شده است.

ما در شب رحلت پیامبر عظیم الشان اسلام هستیم. و واقعاً باید در درگاه خداوند از فقد این وجود مبارک و از «انقطاع وحی» بر بشر زاری و شکایت کنیم، و نیز از اینکه از دسترسی به «ولی‌خدا» و کسی که در آینده باید مظهر حق و عدالت باشد و عدالت را در زمین اجرا کند، محروم هستیم. البته آنچه ما درباره حکومت آینده دینی می‌بینیم، شاید بسیاری از چیزهایی که ما به عنوان دین عرضه می‌کنیم، معلوم شود که ذهنیت‌ها، توهمات و عادات ذهنی ماست.

به هر حال، من این مصیبت و نیز شهادت حضرت امام حسن مجتبی(ع) را به همه شما و همه دوستداران حق و حقیقت تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم که خداوند دل همه ما را با حقیقت روشن بکند.

المپیادها

المپیادها دیگر در ایران به صورت یک امر رایج و آشنایی در آمده است. مهم هم هست. اما به نظر من لازم است که ما کاری کنیم که آنچه در هر سال اتفاق می‌افتد، از حادثه‌ای که در یک لحظه یا زمان رخ می‌دهد، در آید و به صورت یک فرآیند و یک جریان در عرصه علم، تحقیق و دانش کشور در آید.

البته تأسیس باشگاه دانش پژوهان جوان به نظر من یک گام در این جهت است؛ برای نهادهای کردن این حرکت که نتیجه جنبی آن اعزام چند نفر به کشورهای خارجی برای شرکت در مسابقاتی است که انجام می‌شود.

اما این امر باید به صورت یک فرآیند جوشان و متلاطم در عرصه علم و دانش باشد که نتیجه آن این است که ما عده‌ای را به مسابقات می‌فرستیم و خوشبختانه، بچه‌های ما (دختران و پسران) دارای استعداد بالایی هستند و نتایج خوبی هم گرفته‌اند و می‌گیرند و ان شاء الله خواهند گرفت. اما این المپیادها باید بهانه و حریفی برای ایجاد یک فرآیند پویا در عرصه علم و پژوهش باشد و این مستلزم این است که مراحل مختلف این جریان جدی گرفته شود و برای آن برنامه ریزی شود.

اولاً خود شناسایی استعدادها کار بسیار مهمی است. یک تکافو و شور و هیجانی در کل کشور و در مدارس کشور ایجاد می‌شود. رقابت سالمی صورت می‌گیرد و خود همین جریان که افراد باید شناخته و انتخاب شوند، امری است که سبب پویایی علم و دانش و تلاش علمی در سطوح مختلف آموزش و پرورش ما می‌شود.

این یک مرحله است که به هر حال، از میان این جمعیت، تعدادی انتخاب می‌شوند و تعداد کمتری هم به خارج اعزام می‌شوند، اما کار نباید به همین جا خاتمه یابد.

پرورش استعدادها

دوم، تلاش برای پرورش این استعدادهاست؛ نه تنها آن چند نفر معدودی که به مسابقات رفته‌اند و مدال آورده‌اند یا نیاورده‌اند. به هر حال، هشت، نه، ده نفر هر سال از میان میلیونها نفر دانش آموز انتخاب می‌شوند، اما در این جریان هزاران دانش آموز با استعداد خوب شرکت کرده‌اند و نمی‌شود گفت فاصله نفر دهم که نتوانسته شرکت کند، با نفر اول خیلی زیاد است. و نیز

حتماً هم نمی‌شود گفت که کسی که صد و پنجاه و هشتمین نفر شده، از کسی که نفر سوم شده، فاصله خیلی زیادی دارد. اینها همه با استعدادند و باید پرورش یابند و این پرورش هم با تقویت نظام آموزشی ما (چه آموزش متوسطه و راهنمایی و قبل از آن که استعدادها از همان اول هستند) و چه نظام آموزش عالی ما و نیز فراهم آوردن امکان دسترسی این عزیزان به دانش روز و امکانات تحقیق و دانشی که در دنیا هست. ما باید سخاوتمندانه زمینه را فراهم کنیم که این استعدادها پرورش یابند.

مرحله سوم که مهم‌تر است، بهره‌گیری از این افراد است وقتی که آماده خدمتگزاری می‌شوند؛ یعنی هنگامی که دوره تحصیل‌شان را طی می‌کنند که خیلی از آنها در آن رشته‌های علمی و تحقیقی‌ای هستند که باید در کشور زمینه تحقیق برای محققان ما فراهم باشد. و نیز زمینه کار و امنیت زندگی. امروز همان‌گونه که می‌بینید، یکی از مسائل و مشکلات مهم ما، مسئله اشتغال است. رشد چهار درصدی جمعیت در دهه اول انقلاب سبب شده است که امروز (از چند سال پیش تا چند سال دیگر) اوج حضور نیروهای جوان و آماده کار را در جامعه داشته باشیم. برآورد ما در برنامه پنج ساله سوم هفتصد و سی پنج هزار نفر به طور متوسط در طی هر سال برنامه بود که خوشبختانه، با روش آمارگیری و بررسی‌های مکرری که شد، این برآورد، برآورد زیادی بود. حدود ۵۹۰ تا ۶۰۴ هزار نفر (حدود ۶۰۰ هزار نفر) در سال وارد کار می‌شوند؛ یعنی اگر یادتان باشد، همان سالی که بنده این افتخار را داشتم که خدمتگزار باشم، سال اول حدود هیجده و خرده‌ای میلیون نفر و سال دوم (سال ۱۳۷۷) نوزده میلیون دانش‌آموز داشتیم. البته این امر الان به حدود ۱۷ میلیون نفر رسیده است و آنهایی که به دبستان آمده‌اند، الان در دبیرستان‌اند یا دارند خارج می‌شوند و تا دو سه سال دیگر آن اوج را داریم و بعد کم‌کم پایین می‌آید که خوشبختانه، الان رشد جمعیت در ایران ۱/۱۲ است که قابل قبول است و در آینده ما از این جهت کمتر مشکل خواهیم داشت. این مسئله ماست. ۶۰۰ هزار نفر هر سال وارد عرصه کار می‌شوند و برای ۶۰۰ هزار شغل پیدا کردن کار دشواری است. خوشبختانه، در سال گذشته، ما ۶۹۰ هزار شغل ایجاد کرده‌ایم و ان شاء الله برای اینکه به اهداف برنامه مان برسیم، باید در دو سال باقی مانده نهمصد هزار شغل ایجاد کنیم، با توجه به اینکه در طول برنامه دوم که خیلی هم خوب کار شده، به طور متوسط ۲۷۰ هزار شغل ایجاد شده و در دوره سه ساله‌ای که از برنامه سوم می‌گذرد، نزدیک ۶۰۰ هزار نفر (۵۰۰ و خرده‌ای هزار نفر) شغل به طور متوسط ایجاد شده است.

اشتغال یک مشکل جدی

این یک مسأله. مسأله دوم، انبوه نیروهای تحصیل کرده‌ی ماست که شغل کیفی تر هم می‌خواهند. ما در سال اول انقلاب ۱۵۰ هزار دانشجو داشتیم و الان یک میلیون و هفت صد هزار دانشجو داریم. الان حدود سه و نیم میلیون نفر فارغ‌التحصیل دانشگاهی در جامعه ما وجود دارند که البته در ارزیابی مسائل و در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه هم باید این تحولات را در نظر گرفت. جامعه ما جوان و تحصیل کرده است و جوان ما هم با دنیا ارتباط دارد و ما هم نمی‌توانیم جلو این ارتباط را بگیریم. حالا باید ببینیم که چه توقعاتی از ما، دولت، نظام و جاهای دیگر دارد. نباید دچار توهم و تخیل شویم. خیال نکنیم هرچه در ذهن ما هست، در ذهن آنها هم می‌گذرد و بعد برنامه ریزی‌ها به گونه‌ای باشد که روز به روز جوانان از ما دورتر شوند. ما باید حتماً متوجه باشیم که جوان ما چگونه فکر می‌کند و چه نیازهایی دارد و البته باید تعامل کرد. نمی‌خواهم بگویم که هرکس هر چه دلش می‌خواهد، باید برآورده شود، ولی این تفاهم باید وجود داشته باشد. جوان فارغ‌التحصیل ما شغل می‌خواهد و شغل بالاتر می‌خواهد. یک نفر انسانی که تحصیلات کمتر دارد، طبعاً شغلی که برای او ایجاد می‌شود، شغل ساده‌تر، کم هزینه‌تر است و دانش آموخته ما و کسی که سواد و تخصص بیشتری دارد، شغلش هم باید شغل خوبی باشد. این کار، کار مهمی است. آن وقت این جریان المپیادها اگر این مراحل را طی کند، جریان فوق‌العاده عظیم و خوبی در جامعه ما خواهد بود. ان شاء الله باید در این زمینه حرکت کرد. شغل هم همین جور است و از آسمان ایجاد نمی‌شود و سرمایه‌گذاری، تلاش و مدیریت می‌خواهد. شما برای اینکه کار ایجاد کنید، حتماً باید هم مدیریت خوب داشته باشید و هم سرمایه‌گذاری، خوب و هم امکانات، که امکانات دولت خیلی محدود است. این امکانات باید با رونق بخشیدن به حضور بخش خصوصی و نیز خارجی در ایران فراهم گردد.

ادامه استقلال تولید دانش است

ما مستقل هستیم؛ یعنی هیچ‌کس جز خود ما سیاست ما را تعیین نمی‌کند، اما باید بپذیریم که دنیا به هم پیوسته است و ما به دنیا نیاز داریم. دانش و تکنولوژی در اینجا نیست و باید به اینجا بیاید. اگر ما خود دانش و تکنولوژی را وارد کردیم، می‌توانیم استقلال خودمان را پایدار کنیم، والا مجبور می‌شویم حاصل دانش و تکنولوژی آنها را وارد کنیم. من بارها گفته‌ام که برای جامعه

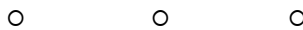
و ملتی که تمدن ساز است و تولیدکننده دانش و مدنیت بوده است، آیا شرم آور نیست که هنوز مصرف‌کننده خوب تولیدات دیگران هم نیست؟ ما باید در فرآیند تولید دنیا شرکت داشته باشیم؛ تولید علم و فناوری و لازمه آن این است که بتوانیم بگیریم و اقتباس کنیم. یکی از فلسفه‌های ایجاد مناطق آزاد که ما داریم - که متأسفانه هنوز هم آن جور که باید، از آن استفاده نشده است - انتقال سرمایه و دانش و تکنولوژی خارجی با وضع آسان‌تری به ایران و صدور کالایی که ما در اینجا می‌سازیم به خارج است؛ یعنی جذب تکنولوژی و مدیریت. همین بهمن ماه که من رفتم و فاز ۲ و ۳ «پارس جنوبی» را افتتاح کردم، یعنی نتیجه سرمایه‌گذاری بیع متقابلی که با شرکت‌های فرانسوی و مالزی انجام شد و در اوج ممنوعیت سرمایه‌گذاری در نفت و گاز از سوی آمریکا و تهدیدی که علیه همه کشورهای می‌کرد، فرانسوی‌ها شجاعت کردند و آمدند سرمایه‌گذاری کردند و امسال به ثمر رسید. حال از آقای حاجی می‌خواهم که دانش‌آموزان المپیادی را ببرند و ببینند که یک بیابان خشک و بد در «عسلویه» امروز به یک کانون جوشان تولید و ثروت و سرمایه در کشور ما تبدیل شده است. معادل سه میلیارد [دلار] سرمایه‌گذاری که شد، سالانه یک میلیارد و دویست میلیون دلار در آمد فعلی آن است؛ یعنی ظرف دو سال و نیم کل سرمایه‌گذاری پوشیده می‌شود و بعد هم آن سرمایه عظیم ماست؛ یعنی پشتوانه اقتصاد ماست. از آن مهم‌تر اینکه ۷۰۰ جوان تازه فارغ‌التحصیل رشته‌های مختلف که در خود فرانسه یا در جاهای دیگر دوره دیده بودند و مجهز به نوترین آگاهی‌ها و مهارت‌ها بودند، در واقع در این منطقه پیاده‌کننده یک مدیریت تازه و یک فعالیت نو بودند. ارزش این، از خود سرمایه‌ای که ایجاد می‌شود، بیشتر است. ما باید هم تکنولوژی و دانش را وارد کنیم و هم سرمایه را، در عین حال با خواست و انتخاب خودمان. باید شغل هم ایجاد کنیم.

تکنولوژی اطلاعات

خوشبختانه در عرصه کیفی قضیه، تحولی که در بنیاد وزارت فرهنگ و آموزش عالی سابق ایجاد شد، به صورت وزارت علوم و تحقیقات و فناوری در آمده است و نقشی که به تحقیق داده شده است، و نیز اهمیتی که به لطف خداوند از سال گذشته در قسمت تکنولوژی اطلاعات و

ارتباطات (IT و ICT*) در ایران شده است، با موقعیت فوق‌العاده ممتازی که ایران دارد. من در سفری که به مالزی رفته بودم، آقای ماهاتیر محمد که با آن برنامه‌ریزی‌ای که تا سال ۲۰۲۰ کرده‌اند، یکی از مهم‌ترین مراکز تکنولوژی اطلاعات هستند و الان هم خیلی پیشرفت کرده‌اند و الان هم بچه‌های ما در آنجا دارند تحصیل می‌کنند. ایشان می‌گفت: اصلاً موقعیت ما با شما قابل قیاس نیست. خوشبختانه، زیر بناهای ما به لحاظ وجود ارتباطات، تکنولوژی و نیز به لحاظ موقعیت ممتازی که خداوند به ما داده است، خوب است. ما در چهار سوی جهان و قلب جهان نقطه اتصال غرب به شرق و شمال به جنوب هستیم و باید در این زمینه عقب‌نمانیم. کار خوبی شده، حالا باز هم خوب است که جناب آقای جهانگرد یا دیگر دوستان بیایند و به عزیزان گزارش بدهند. اینها کارهایی است که دارد انجام می‌گیرد. ما باید زمینه را فراهم کنیم که این استعداد‌های فراوان احساس کنند که منشأ اثرند و می‌توانند از این دانش و استعدادشان استفاده کنند. و نیز محیط اجتماعی ما طوری باشد که جوان و دانشمند، احساس حرمت و امنیت کنند. در این صورت است که اولاً حجم خروج از کشور کم خواهد شد و اگر هم بشود، آن وقت آن «مهاجرت مثبت» خواهد بود و در مقابل آن زمینه‌ای فراهم خواهد شد که خیلی‌ها برگردند و بیایند و حتی غیر ایرانی‌ها بیایند و بتوانیم آنها را جذب کنیم و کسانی هم که می‌روند، به هر حال، با دل‌بستگی بیشتر به اینجا نقطه اتصال میان این کشور و امکاناتی باشند که در دنیا وجود دارد. من امیدوارم که همه دست به دست هم بدهیم و بتوانیم در این مسیر گام برداریم؛ که شما سرمایه‌های اصلی کشور و جوانان خوش استعداد و خوش آتیه ما بتوانید آن رشد معنوی، علمی و فکری لازم را داشته باشید که فردای بهتری را برای ایران عزیزمان ترسیم و تأمین کنید. از حوصله شما سپاسگزارم. سرتان را درد آوردم و برای شما آرزوی موفقیت و سلامت و سعادت می‌کنم.

خدا یار و نگه‌دار شما باد.



* Information Technology

** Information Communication Technology